

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: عشق یعنی آشنایی یافتن

نام نویسنده: زهرا خوشنظر

تعداد صفحات: ۴۲ صفحه

تاریخ انتشار: مرداد سال ۱۳۹۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

۱- بگو: خداوند یکتا و یگانه است.

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

۲- خداوندی است که به نیازمندان قصد او می‌کند.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

۳- نرود و زاده نشد.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

۴- و برای او هرگز شیه و مانندی نبوده است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



(ترجمہ و تفسیر: آیت اللہ مکارم شیرازی)



او یکتا و بی ہمتا است

تختین آیہ از این سورہ در پنج سوالات مکرری کہ از ناحیہ اقوا افراد مختلف در زمینہ اوصاف پروردگار شدہ بود می فرماید:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(کلو او خداوند یکتا و یگانه است) (قل هو الله احد)

آغاز جمله با ضمیر (هو) که ضمیر منفرد غائب است و از مفهوم مبهمی حکایت می‌کند، در واقع رفر و اشاره ای به این واقعیت است که ذات

مقدس او در نهایت خفاء است، و از دسترس انکار محدود انسان باسیرون،

هر چند آثار او آشنان جهان را پر کرده که از همه چیز ظاهر تر و آشکار تر است،

چنانکه در آیه ۵۳ سوره فصلت می‌خوانیم: سر بهیم آیتانی الالفاق و فی انفسهم حتی یمین لهم انه الحق

(به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا آشکار گردد که او حق است.)

پس از این حقیقت ناشناخته پرده برمی‌دارد و می‌گوید: او خداوند یکتا و یگانه است.

ضمناً معنی (قل) (کلو) در اینجا این است که این حقیقت را برابر او انکار کن.

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که بعد از ذکر این سخن فرمود:

کفار و بت پرستان با اسم اشاره به بت‌های خود اشاره کرده، می‌گفتند:

این خدایان ما است ای محمد! تو نیز خدایت را توصیف کن تا ما و را ببینیم و درک کنیم.

خداوند این آیات را نازل کرد: قل هو الله احد...

(۱) در (هو) اشاره به شمیمیت و توجه دادن به مطلب است، (واو) ضمیر غائب است و اشاره به غائب از دید چشمها و دور از لمس حواس.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در حدیث دیگری از امیر مومنان علی (علیه السلام) می خوانیم که فرمود:

در شب جنگ بدر خضر را در خواب دیدم، از او خواستم چیزی به من یاد دهد که به نجات آن بر دشمنان پیروز شوم گفت: بگو:

یا هو، یا من لا هو الا هو، هنگامی که صبح شد جریان را خدمت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) عرض کردم،

فرمود: یا علی! علت الاسم الاعظم: ای علی (علیه السلام) اسم اعظم به تو تعلیم شده پس این جمله در زبان من در جنگ بدر بود...

(عاریاسر) هنگامی که شنید حضرت امیر مومنان (علیه السلام) این ذکر را روز صفتین به هنگام سیکار می خواند.

عرض کرد این کنایات چیست؟ فرمود: اسم اعظم خدا و ستون توحید است!

(الله) اسم خاص برای خداوند است، و مفهوم سخن امام (علیه السلام) این است که در همین یک کلمه به تمام صفات جلال و جمال او

اشاره شده است، و به همین جهت آن اسم اعظم الهی نامیده شده.

این نام جز بر خدا اطلاق نمی شود، در حالی که نامهای دیگر خداوند معمولاً اشاره به یکی از صفات جمال و جلال او است،

مانند عالم و خالق و رازق و غالباً غیر او نیز اطلاق می شود (مانند رحیم و کریم و عالم و قادر و...)

باین حال ریشه آن معنی و صفتی دارد، و در اصل مشتق از (ولد) به معنی تحمیر است، چرا که عقل با ذات پاک او حیران است، چنانکه در

حدیثی از امیر مومنان علی (علیه السلام) آمده است:

الله معناه المعبود الذی یاله فیه الخلق، ویوء له الیه، والله هو المستور عن دکل البصار، المحجوب عن اللوایم و المخبرات:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

الله مضموش، مبعودی است که خلق در او حیرانند و به او عشق می ورزند،

الله همان کسی است که از دک چشم باستور است، و از انجار و عقول خلق محبوب.

گاه نیز آن را از ریشه (الایه) بروزن و به معنی (عبادت) دانسته اند، و در اصل (الله) است، به معنی تنها مبعود به حق.
ولی همان گونه که کتیم ریشه آن حرچه باشد بعداً به صورت اسم خاص درآمده، و به آن ذات جامع جمیع اوصاف کمالیه، و خالی از هرگونه عیب
و نقص اشاره می کند.

این نام مقدس قریب هزار بار در قرآن مجید تکرار شده، و پنج اسمی از اسماء مقدس او این اندازه در قرآن نیامده است،

نامی است که قلب را روشن می کند، به انسان نیرو و آرامش می بخشد، و او را در جهانی از نور و صفا مستغرق می سازد.
اما واژه احد از همان ماده وحدت است، و لذا بعضی احد و واحد را به یک معنی تفسیر کرده اند و معتقدند هر دو اشاره به آن ذاتی است که از هر
نظری نظیر و متفرد می باشد، در عالم یگانه است، در قدرت بی مثال است، در جانیت و رحیمیت یکتا است، و خلاصه از هر نظری نظیر
است.

ولی بعضی عقیده دارند که میان احد و (واحد) فرق است.

(احد) ذاتی گفته می شود که قبول کثرت نمی کند، نه در خارج و نه در ذهن، و لذا قابل شماره نیست و هرگز داخل عدد نمی شود،



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

به خلاف واحد که برای او دوم و سوم تصور می شود،

یا در خارج، یا در ذهن، و لذا گاهی می گوئیم احدی از آن جمعیت نیاید، یعنی یکپس نیاید، ولی بنگاهی که می گوئیم، واحدی نیاید ممکن است دو

یا چند نفر آمده باشند.

ولی این تفاوت با موارد استعمال آن در قرآن مجید و احادیث چندان سازگار نیست.

بعضی نیز معتقدند: اح اشاره به بساطت ذات خداوند در مقابل اجزاء ترکیبیه خارجی یا عقلیه (جنس و فصل و بابت و وجود) است،

در حالی که واحد اشاره به یکانگی ذات او در برابر کثرات خارجی می باشد.

در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) می خوانیم: (ء احد فردی است یکنزه و (واحد) یک مفهوم دارد، و آن ذات مقرر دی

است که نظیر و شبیهی برای او نیست، و توحید، اقرار به یکانگی و وحدت و انفراد او است.

در ذیل همین حدیث می خوانیم: (واحد از عدد نیست، بلکه واحد پایه اعداد است، عدد از دو شروع می شود، بنابراین معنی (انده احد) یعنی

معبودی که انسانها از ادراک ذات او عاجزند، و از احاطه به کینیتش ناتوان، او در الیهت فردا است و از صفات مخلوقات برتر.

در قرآن مجید نیز (واحد) و (احد) هر دو به ذات پاک خداوند اطلاق شده است.

جالب این که در توحید صدوق آمده است که مردی اعرابی در روز جنگ جل برخواست و عرض کرد:

ای امیر مؤمنان! آیامی گوئی خداوند واحد است؟ و واحد به چه معنی؟ ناگهان مردم از هر طرف به او حمله کردند، و گفتند: ای اعرابی!



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این چه سوالی است؟ مگر نبی مبینی فکر امیرالمومنین تا چه حد مشغول مسأله جنگ است؟ هر سخن جانی و حرکتی مقامی دارد!
امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: او را به حال خود بگذارید، زیرا آنچه را که او می خواهد بان چیزی است که ما از این گروه دشمن می خواهیم
(او از توحید سوال می کند، ما هم مخالفان خود را به توحید کلمه دعوت می کنیم.)

سپس فرمود: ای اعرابی! ایکنه می گوئیم خدا (واحد) است چهار معنی می تواند داشته باشد که دو معنی آن درباره خدا صحیح نیست، و دو معنی
آن صحیح است.

اما آن دو که صحیح نیست: وحدت عددی است این برای خدا جائز نمی باشد (بگوئیم او یکی است و دو تا نیست، زیرا مفهوم این سخن
آن است که دومی برای او تصور می شود ولی وجود ندارد، در حالی که مسأله برای ذات بی نهایت حق دومی تصور نمی شود) چرا که چیزی که ثانی
ندارد داخل در باب اعداد نمی شود، آیا نمی بینی که خداوند کسانی را که گفتند: ان الله ثالث ثلاثة (خدا سومی از سه نفر است) تکفیر کرده؟
دیگر از معانی واحد که بر خدا روان نیست این است که به معنی واحد نوعی باشد، مثل ایکنه می گوئیم فلائکس یکی از مردم است، این نیز بر خدا
روان نیست (چرا که خدا نوع و جنس ندارد) مفهوم این سخن تشبیه است و خدا از هر گونه تشبیه و نظیر برتر و بالاتر است.
اما آن دو مفهومی که درباره خدا صادق است تحت ایکنه گفته شود خداوند واحد است یعنی در اشیاء عالم شبیهی برای او نیست

آری پروردگارا چنین است.

دیگر ایکنه گفته شود پروردگارا احدی المعنی است یعنی ذات او تقسیم پذیر نیست، نه در خارج و نه در عقل، و نه در وهم، آری خداوند بزرگ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

چنین است کوتاه سخن اینکه خداوند واحد و واحد است و یگانه و یگانه است نه به معنی واحد عددی، یا نوعی و جنسی، بلکه به معنی وحدت ذاتی، و به عبارت روشن تر وحدانیت او به معنی عدم وجود مثل و مانند و شبیه و نظیر برای او است.

دلیل این سخن نیز روشن است: او ذاتی است بی نیت از هر جهت، و مسلم است که دو ذات بی نیت از هر جهت غیر قابل تصور است، چون اگر دو ذات شذر و دو محدود می شود، این کلمات آن را ندارد، و آن کلمات این را (وقت کنید) در آیه بعد توصیف دیگری از آن ذات مقدس یگانه می هلیلید: او خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند (الله الصمد) برای (صمد) در روایات و کلمات مفسران و ارباب لغت معانی زیادی ذکر شده است:

(راغب) در مفردات می گوید:

صمد به معنی آقا و بزرگی است که برای انجام کار با به سوی او می روند، و بعضی گفته اند: صمد به معنی چیزی است که تو خالی نیست،

بلکه پر است. در (مفاتیح اللغه) آمده است که (صمد) دوریته اصلی دارد:

یکی به معنی (صمد) است، و دیگری به معنی (صلابت و استحکام) و این که به خداوند متعال صمد گفته می شود به خاطر این است که بندگانش قصد درگاه او می کنند، و شاید به همین مناسبت است که معانی متعدد زیر نیز در کتب لغت برای صمد ذکر شده است:

شخص بزرگی که در تنهای عظمت است، و کسی که مردم در حجاج خویش به سوی او می روند، کسی که برتر از او چیزی نیست،

کسی که دائم و باقی بعد از فحای خلق است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

لذا امام حسین بن علی (علیهما السلام) در حدیثی برای صدق معنی بیان فرموده: صد کسی است که در قتهای سیادت و آقائی است.

صد کسی است که در قتهای سیادت و آقائی است.

صد ذاتی است دائم ازلی و جاودانی.

صد وجودی است که خوف ندارد.

صد کسی است که نمی خورد و نمی آشد.

صد کسی است که نمی خواهد.

صد کسی است که قائم به نفس است و بی نیاز از غیر.

در عبارت دیگری آمده است، کسی است که تغییرات و کون و فساد ندارد.

از امام علی بن الحسین (علیهما السلام) نقل شده است که فرمود:

صد کسی است که شریک ندارد، و حفظ چیزی برای او مثل نیست، و چیزی از او مخفی نمی ماند.

بعضی نیز گفته اند: **صد** کسی است که هر وقت چیزی را اراده کند می گوید موجود باش، آن هم فوراً موجود می شود.

در حدیثی آمده است که اهل (بصره) نامه ای به محضر امام حسین (علیه السلام) نوشتند و از معنی **صد** سوال کردند.

امام حسین (علیه السلام) در پاسخ آنها فرمود:

(بسم الله الرحمن الرحيم)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما بعد در قرآن مجادله و گفتگو بدون آگاهی نکنید، چرا که من از جدم رسول الله شنیدم می فرمود:

حرکس بدون علم سخن بگوید باید در محلی از آتش که برای او تعیین شده جای گیرد،

خداوند خودش (صمد) را تفسیر فرموده است: (لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد) زاده نشده و زاده نشده و احدی مانند او نیست...

آری خداوند صمد کسی است که از چیزی به وجود نیامده، و در چیزی وجود ندارد، و بر چیزی قرار نگرفته، آفریننده اشیاء و خالق آنهاست،

همه چیز را به قدرتش به وجود آورده، آنچه را برای فنا آفریده به اراده اش از هم متلاشی می شود، و آنچه را برای بقا خلق کرده به علمش باقی

می ماند، این است خداوند صمد...

وبالآخره در حدیث دیگری می خوانیم که محمد بن حنفیه از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره صمد سوال کرد حضرت (علیه السلام) فرمود: تاویل صمد آن است که او از اسم است و نه جسم، نه مانند و نه شبیه دارد، و نه صورت و نه مثال و نه حد و حدود، نه محل و نه مکان، نه کیف و نه این و نه آنجا و نه آنجا، نه پراست و نه خالی، نه ایستاده است و نه نشسته، نه سکون دارد و نه حرکت، نه ظلمانی است و نه نورانی، نه روحانی است و نه نفسانی، و در عین حال پنج محلی از او خالی نیست، و پنج مکانی گنجایشی او را ندارد، نه رنگ دارد و نه بر قلب انسانی خطور کرده، و نه بوبرای او موجود است، همه اینها از ذات پاکش متقی است.

این حدیث به خوبی نشان می دهد که صمد مفهوم بسیار جامع و وسیعی دارد که هر گونه صفات مخلوقات را از ساحت مقدسش نفی می کند، چرا که اسم های مشخص و محدود، و همچنین جسمیت و رنگ و بو و مکان و سکون و حرکت و کیفیت و حدود و مانند اینها، همه از صفات مکملات و مخلوقات است، بلکه غالباً اوصاف جهان ماده است، و می دانیم خداوند از همه اینها برتر و بالاتر است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در اکتشافات اخیر آمده است که تمام اشیاء جهان ماده، از ذرات بسیار کوچکی به نام (اتم) تشکیل یافته، و اتم خود نیز از دو قسمت عمده است
: هسته مرکزی، و الکترونهایی که به دور آن در گردش است،

و عجب اینکه در میان آن هسته و الکترونها فاصله زیادی وجود دارد (البته زنجیره در مقیاس با حجم اتم) به طوری که اگر این فاصله برداشته شود اجسام
به قدری کوچک می شوند که برای ما حیرت آور است.

مثلاً اگر فاصله های اتمی ذرات وجود یک انسان را بردارند و او را کاملاً فشرده کنند ممکن است به صورت زره ای درآید که دیدنش با چشم مثل
باشد ولی با این حال تمام وزن بدن یک انسان را دارا است (مثلاً همین زره ناچیز ۷۰ کیلو وزن دارد).

بعضی با استفاده از این اکتشاف علمی و با توجه به اینکه یکی از معانی صمد وجودی است که تو خالی و اجوف نیست، چنین نتیجه گرفته اند که قرآن
می خواهد باین تعبیر هرگونه جسمانی را از خدا نمی کند، چرا که تمام اجسام از اتم، تشکیل یافته اند و اتم تو خالی است، و به این ترتیب آیه می
تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد.

ولی نباید فراموش کرد که (صمد) در اصل لغت به معنی شخص بزرگی است که همه نیازمندان به سوی او می روند، و از هر نظر پرو کمال
است، و ظاهر ایه معانی و تفسیرهای دیگری که برای آن ذکر شده، به همین ریشه بازمی گردد.

سپس در آیه بعدیه روحانده (نصاری) و (یسود) و (شکرکان عرب) که برای خداوند فرزندی، پایداری قابل بودند، پرداخته،

می فرماید: نژاد و زاده نشده (لم یلد ولم یولد).

در مقابل این بیان، سخن کسانی است که معتقد به تثلیث (خدایان سه گانه) بودند، خدای پدر، و خدای پسر، و روح القدس، نصاری (مسیح)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

راپسر خدا، ویهود(عزیز)راپسراومی دانستند.

وقالت اليهود عزیز ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم بافواهم ايضا هون قول الذين كفروا من قبل قاتلم الله انى

يوكفون:

یهود گفتند عزیز پسر خدا است! و نصاری گفتند مسیح پسر خدا است! این سخنی است که با زبان خود می گویند که همانند گفتار

کافران پیشین است، لعنت خدا بر آنها باد چگونه از حق منحرف می شوند؟! (توبه - ۳۰)

مشركان عرب نیز معتقد بودند که ملائکه دختران خدا هستند!

وخرقواله بنین وبنات بغیر علم: آنها برای خدا پسران و دخترانی به دروغ و از روی جهل ساختند! (انعام - ۱۰۰)

از بعضی روایات استفاده می شود که یولد در آیه (لم یلد ولم یولد) معنی وسیع تری دارد،

و هرگونه خروج اشیاء مادی و لطیف را از او، و یا خروج آن ذات مقدس از اشیاء مادی و لطیف دیگر را نفی می کند.

چنان که در همان نامه ای که امام حسین (علیه السلام) در پاسخ اهل (بصره) در تفسیر صمد م فرمود، جمله (لم یلد ولم یولد) چنین تفسیر شده:

(لم یلد) یعنی چیزی از او خارج نشد، نه اشیاء مادی مانند فرزند،

و سایر اشیا که از مخلوقین خارج می شود (مانند شیر از پستان مادر) و نه چیز لطیف، مانند نفس، و نه عوارض کفناکون، مانند خواب و خیال و

اندوه و حزن و خوشحالی و خنده و گریه و خوف و رجاء و شوق و ملالت و گرسنگی و سیری، خداوند بتر از این است که از او چیزی خارج شود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و نیز برتر از آن است که او متولد از شیء مادی و لطیف گردد...

مانند خارج شدن موجوده زنده ای از موجود دیگر، و گیاه از زمین، و آب از چشمه و میوه از درختان، و خارج شدن اشیاء لطیف از منابض، مانند دیدن از چشم، و شنیدن از گوش، و استنشام از بینی، و چشیدن از دهان از، و سخن از زبان، و معرفت و تشخیص از دل، و جرقه آتش از سنگ.

مطابق این حدیث توله معنی کسره ای دارد که حرکت خروج و نتیجه گیری چیزی از چیزی را شامل می شود، و این در حقیقت معنی دوم آیه است و معنی اول و ظاهر آن همان بود که در آغاز گفته شد، به علاوه معنی دوم با تحمیل روی معنی اول کاملاً قابل درک است، زیرا اگر خداوند فرزند ندارد به دلیل آن است که از عوارض ماده برکنار می باشد. همین معنی درباره سایر عوارض ماده صادق است (دقت کنید) و بالاخره در آخرین آیه این سوره مطلب را درباره اوصاف خدا به مرحله کمال رسانده، می فرماید: برای او حرکت از احدی شبیه و مانند نبوده است (و لم یکن له کفو احد).

(کنفو) در اصل به معنی بمطراز در مقام و منزلت و قدر است، و پس به حرکت شبیه و مانند اطلاق می شده است. مطابق این آیه تمام عوارض مخلوقین، و صفات موجودات، و حرکت نقص و محدودیت، از ذات پاک او متفی است، این همان توحید ذاتی و صفاتی است، در مقابل توحید عددی و نوعی که در آغاز تفسیر این سوره به آن اشاره شد. بنابراین او نه شبیهی در ذات دارد، نه مانندای در صفات، و نه مثلی در افعال، و از هر نظری نظیر و بی مانند است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از خطبه های نبج البلاغه می فرماید:



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

او کسی را نژاد که خود نیز مولود باشد، و از کسی زاده نشد تا محدود کرد...
مانندی ندارد تا با او هم‌تا گردد، و شبیهی برای او تصویری شود تا با او مساوی باشد.

و این تفسیر جالبی است که عالی‌ترین دقایق توحید را بازگو می‌کند.

(سلام الله علیک یا امیرالمؤمنین)



کلمه:

۱- دلالت توحید

توحید یعنی یگانگی ذات خداوند و عدم وجود هرگونه هم‌تا و شبیه برای او، گذشته از دلالت تعلق و آیات قرآن مجید، با دلایل عقلی فراوان نیز قابل اثبات است که در اینجا قسمتی از آن را به صورت فشرده می‌آوریم:

۱- برهان صرف الوجود - و خلاصه اش این است که خداوند وجود مطلق است، و پنج قید و شرط حدی برای او نیست، چنین وجودی

مسلمانانند و خواهد بود،

چرا که اگر محدودیتی پیدا کند باید آلوده به عدم گردد، و ذات مقدسی که هستی از آن می‌جو شد هرگز متضمنی عدم و نیستی نخواهد بود و چیزی در خارج

نیست که عدم را بر او تحمیل کند بنابراین، محدود به پنج حدی نمی‌باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از سوی دیگر دوستی محدود در عالم تصور نمی شود، زیرا اگر دو موجود پیدا شود حتی اگر یک از آنها فاقد کمالات دیگری است، یعنی کمالات او را ندارد، و بنابراین هر دو محدود می شوند، و این خود دلیل روشنی است بر یگانگی ذات واجب الوجود (دقت کنید).

۲- برهان علمی - پنجمی که بر این جهان پهناور نگاه می کنیم در ابتدا عالم را به صورت موجوداتی پرکننده می بینیم، زمین و آسمان و خورشید و ماه و ستارگان و انواع گیاهان و حیوانات، اما هر چه بیشتر دقت کنیم می بینیم اجزاء و ذرات این عالم چنان به هم مربوط و پیوسته است که مجموعاً یک واحد منجم را تشکیل می دهد، و یک سلسله قوانین معین بر سراسر این جهان حکومت می کند.

هر قدر بیشتر علم و دانش بشری بیشتر می شود وحدت و انسجام اجزای این جهان آشکارتر می گردد، تا آنجا که گاهی آزمایش روی یک نمونه کوچک

مانند افتادن یک سیب از درخت سبب می شود قانون بزرگی که بر تمام عالم هستی حکومت می کند کشف گردد (مانند آنکه که درباره نیوتن و قانون جاذبه اتفاق افتاد.)

این وحدت نظام هستی، و قوانین حاکم بر آن، و انسجام و یکپارچگی در میان اجزای آن نشان می دهد که خالق آن یکتا و یگانه است

۳- برهان غایب - دلیل علمی فلسفی دلیل دیگری که برای اثبات یگانگی ذات خداوند ذکر کرده اند و قرآن در آیه ۲۲ سوره انبیاء الهام بخش آن است برهان غایب است، می فرماید: لو کان فیما الالهة الالهة لفسدتا فسمان الله رب العرش عما یصفون: اگر در زمین و آسمان خدایانی جز خداوند یگانه بود زمین و آسمان به فساد کشیده می شد، و نظام جهان به هم می خورد، پس منزه است خداوندی که پروردگار عرش است از آنچه آنها توصیف می کنند.

۴- دعوت عمومی انبیاء به خداوند یگانه - این دلیل دیگری برای اثبات توحید است، چرا که اگر دو واجب الوجود در عالم بود هر دو باید منبع



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فیض باشند، چرا که یک وجود بی نهایت کامل ممکن نیست در نور افشانی، غل و رزون، زیرا عدم فیض برای وجود کامل نقص است، و حکیم بودن او ایجاب می کند که بهنگام را شمول فیض خود قرار دهد.

این فیض دو شاخه دارد: فیض تکوینی (در عالم خلقت)، و فیض تشریحی (در عالم هدایت) بنابراین اگر خدایان متعددی وجود داشت باید فرستادگانی از نزد همه آنها میبایند، و فیض تشریحی آنها را برای بهنگام برسانند.

حضرت علی (علیه السلام) در وصیت نامه اش برای فرزند گرامی اش امم محبتی علیه السلام می فرماید:

و اعلم یا بنی انزلوکان لربک شریک لانتک رسلا و لرایت آثار ملک و سلطان، و لعرفت افعال و صفات، و کنت ال واحد کا وصف نفع: (بدان فرزندم اگر پروردگارت همسانی داشت فرستادگان او به سراغ تومی آمدند و آثار ملک و سلطنت او را مشاهده می کردی، و به افعال و صفاتش آشنایی شدی ولی او محمود میماند است همانگونه که خودش توصیف کرده است.

اینها همه دلائل یگانگی ذات او است، اما دلیل بر عدم وجود هر گونه ترکیب و اجزاء در ذات پاک او روشن است، زیرا اگر برای او اجزاء خارجی باشد طبعاً نیازمند به آنها است، و نیاز برای واجب الوجود غیر معقول است.

۲- شانه های برابر توحید

معمولاً برای توحید چهار شانه ذکر می کنند:

۱- توحید ذات (آنچه در بلاشع داده شده)

۲- توحید صفات



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یعنی صفات او از ذاتش جدا نیست، و نیز از یکدیگر جدا نمی باشد، فی المثل علم و قدرت ما، دو وصف است که عارض بر ذات ما است، ذات ما چیزی است و علم و قدرت ما چیزی دیگر، چنانکه علم و قدرت نیز در ما از هم جدا است، مرکز علم روح ما است، و مرکز قدرت جسمانی بلنه و عضلات ما، ولی در خداوند صفاتش زائد بر ذات او است، و نه جدا از یکدیگرند، بلکه وجودی است تماش علم، تماش قدرت، تماش ازلیت و ابدیت.

اگر غیر از این باشد لازمه اش ترکیب است، و اگر مرکب باشد محتاج به اجزای می شود و شیء محتاج حرکت و واجب الوجود نخواهد بود.

۲- توحید افعالی - یعنی هر وجودی، هر حرکتی، هر فعلی در عالم است به ذات پاک خدا برمی گردد،

سبب الاسباب او است، و علت العلل، ذات پاک او می باشد، حتی افعالی که از ماسر می زند به یک معنی از او است، او به ما قدرت و اختیار، و آزادی اراده داده، بنابراین در عین حال که ما فاعل افعال خود هستیم، و در مقابل آن مسؤلیم، از یک نظر فاعل خداوند است،

زیرا همه آنچه داریم به او بازمی گردد، (لاموثر فی الوجود الا الله)

۴- توحید در عبادت: یعنی تنها باید او را پرستش کرد و غیر او شیء تعبدیت نیست، چرا که عبادت باید برای کسی باشد که کمال مطلق و مطلق کمال است، کسی که از بهر جان بی نیاز است، و بخشنده تمام نعمتها، و آفریننده همه موجودات، و این صفات جز در ذات پاک او جمع

نمی شود.

هدف اصلی از عبادت، راه یافتن به جوار قرب آن کمال مطلق، و هستی بی پایان، و انعکاس پرتویی از صفات کمال و جمال او در درون جان است که نتیجه اش فاصله گرفتن از هووی و هوسها، و روی آوردن به خودسازی و تهذیب نفس است.

این هدف جز با عبادت الله که همان کمال مطلق است امکانپذیر نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲- شانه های توحید افعالی

توحید افعالی نیز بر نوبه خود شانه های زیادی دارد که در اینجا به شش قسمت از مهم ترین فروع آن اشاره می کنیم:

۱- توحید خالقیت

با کلمه که قرآن می گوید: قل الله خالق کل شیء

(بگو خداوند آفریدگار همه چیز است رعد- ۱۶)

دلیل آسнем روشن است و قتی با دلائل گذشته ثابت شد واجب الوجود یکی است، و همه چیز غیر از او ممکن الوجود است، بنابراین خالق همه موجودات نیز یکی خواهد بود.

۲- توحید ربوبیت

یعنی بدربودید و ربوبی و نظام بخش عالم هستی تنها خدا است، چنانکه قرآن می گوید: قل اغیر الله ابنی ربا و هو رب کل شیء: آیا غیر خدا را

پروردگار خود بطلبم در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! (انعام- ۱۶۴)

دلیل آن نیز وحدت واجب الوجود و توحید خالق در عالم هستی است.

۳- توحید قانونگذاری و تشریح

هر کس که به آنچه خدا نازل کرده است حکم نکند کافر است: چنانکه قرآن می گوید: ومن لم یحکم با انزل الله فاولئک هم الکافرون

(مائده- ۴۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زیرا وقتی ثابت کردیم مدیر و مدبر او است، مسلماً غیر او صلاحیت قانونگذاری نخواهد داشت، چون غیر او در تدبیر جهان سهمی ندارد تا قوانینی
بهاشنگ با نظام تکوین وضع کند.

۴- توحید مالکیت

خواه (مالکیت حقیقی) یعنی سلطه تکوینی بر چیزی باشد، یا (مالکیت حقوقی) یعنی سلطه قانونی بر چیزی اینها همه از او است،

چنان که قرآن می فرماید: **و لله ملک السموات والارض**

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین مخصوص خدا است. آل عمران - ۱۸۹

و نیز می فرماید: **وانفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ**

(انفاق کنید از اموالی که خداوند شمارا نایانده خود در آن قرار داده) (حدید- ۷)

دلیل آن هم همان توحید و خالقیت است، وقتی خالق همه اشیاء او است طبعاً مالک همه اشیاء نیز ذات مقدس او است بنابراین هر

ملکیتی باید از مالکیت او سرچشمه گیرد.

۵- توحید حاکمیت

مسئله جامعه بشری نیاز به حکومت دارد، چون زندگی و اجتماعی بدون حکومت ممکن نیست، تقسیم مسئولیت ها، تنظیم برنامه ها، اجرای

مدیریتها، و جلوگیری از تعديات و تجاوزها، تنها به وسیله حکومت میسر است.

از طرفی اصل آزادی انسانها میگوید هیچکس بر هیچکس حق حکومت ندارد، مگر آنکه مالک اصلی و صاحب حقیقی اصلی اجازه دهد، و از



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

همین جاست که ماحر حکومتی را که به حکومت الهی منتهی نشود مردودی دانیم، و نیز از همین جاست که مشروعیت حکومت را از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس امامان معصوم (علیهم السلام) و بعد از آنها برای فقیه جامع الشرائط می دانیم. البته ممکن است مردم به کسی اجازه دهند که بر آنها حکومت کند، ولی چون اتفاق تام افراد جامعه عادتاً نمی ممکن است چنین حکومتی عملاً ممکن نیست.

البته نباید فراموش کرد که توحید ربوبیت مربوط به عالم تکوین است.

و توحید قانونگذاری و حکومت به عالم تشریح.

قرآن مجید می گوید: ان احکم الاله: حکم و حکومت تنها از آن خداست (انعام- ۵۷)

ع- توحید اطاعت- یعنی تنها مقام (واجب الطاعة) در جهان، ذات پاک خدا است، و مشروعیت اطاعت از حر مقام یکبری باید از همین جاسر چشمه گیرد، یعنی اطاعت او اطاعت خدا محبوب می شود.

دلیل آن هم روشن است وقتی حاکمیت مخصوص او است مطاع بودن هم مخصوص او است، و لذا با اطاعت انبیا (علیهم السلام) و ائمه معصومین و جانشینان آنها را بر تویی از اطاعت خدای شمریم، قرآن می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم: ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا و رسول او و صاحبان امر (امان معصوم) را (نساء- ۵۹)

و نیز می فرماید: من طیع الرسول فقد اطاع الله: هر کس رسول خدا را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است (نساء- ۸۰)

البته تجمه های فوق هر کدام در نور شرح و بطن فراوان است و ما به ملاحظه این که از شکل بحث تفسیری خارج نشویم آنها را فشرده بیان کردیم خداوند! ما را در تمام عمر به خط توحید ثابت بار.

پروردگارا! شانه های شکر همچون شانه های توحید زیاده است و نجات



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از شرک جز با لطف تو میسر نیست، ما را شمول الطافت گردان.
بارالها! ما را با توحید زنده دار و با توحید بمیران، و با حقیقت توحید مشور مگردان.

آمین یا رب العالمین

فضیلت و خواص سوره توحید

یکصد و دوازدهمین سوره قرآن کریم است که کلی و ۴ آیه دارد. این سوره را «اخلاص، صمد، اساس، برآة، جمال، معرفت، مانع، نور، تفرید،

تجید، ولایت» نیز می‌گویند. (دوران باقرآن ص ۱۶۱)

این سوره از ارزشمندترین سوره های قرآن است که به قرأت و ارتباط با آن بسیار سفارش شده است و آثار و فواید بسیاری دارد.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: سوره توحید برابر با یک سوم قرآن است. (الدعوات ص ۲۱۸)

امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: هر کس سوره توحید را بخواند و به آن ایمان داشته باشد توحید را شناخته است. (عمون اخبار الرضا علیه السلام

ص ۲ ص ۱۲۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند این سوره را زیاد بخوانید زیرا این سوره نور قرآن است. (الدعوات ص ۸۴)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

هم چنین از ایشان نقل شده است: حرکس سوره توحید را قرأت نماید با خواندن آیه اول، خداوند هزار نگاه به او می کند و با خواندن آیه دوم،

خداوند هزار دعای او را مستجاب می کند و با آیه سوم هزار خواسته اش را به او می دهد و با آیه چهارم، هزار حاجت از حاجت های دنیا و آخرتش

را روا می کند. (صالح الاخبار ص ۵۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: حرکس سوره توحید و قدر را در روز یا شنبس ۰۰ بار قرأت نماید خداوند پس از مرگش نوری در قبر او قرار

می دهد و نوری در پیش و پس او قرار گرفته و او را تا بهشت همراهی می کند. (الدعوات ص ۲۱۹)

امام صادق علیه السلام فرمودند: حرکس سه روز بر او بگذرد و سوره توحید را بخواند خوار شده و بند ایمان از او برداشته می شود و اگر در آن حال

بمیرد در حال کفر مرده است. (المحاسن ج ۱ ص ۹۵)

و نیز می فرمایند: حرکس روزی بر او بگذرد و در نمازهای ۵ گانه اش سوره توحید را بخواند به او گفته می شود تو از نماز گزاران نیستی. (الکافی ج ۲ ص

۴۵۵)

قرأت این سوره در بسیاری از مکان ها و زمان ها مانند پس از نماز صبح، بعد از نماز واجب، هنگام خواب و... سفارش شده است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آثار و برکات سوره

۱) **شناختی** - در این باره در سخنی از امام باقر علیه السلام آمده است: حرکس سوره حمد و سوره توحید اورا شناختن پنج چیز دیگری اورا شناختن خواهد

داد به بیماری ثمانین دو سوره درمان می شود. (وسائل الشیخ ص ۲۳۳)

۲) **دمان تب** - حرکس که حضرت زحرا سلام الله و فرزندانش را دوست دارد و چهار بیماری تب شود سوره توحید را ۱۰۰۰ بار بخواند آنگاه

خداوند را به حق فاطمه قسم دهد که شناختن گرفت. (مکارم الاخلاق ص ۳۶۶)

۳) **درد چشم** - از امام صادق علیه السلام نقل شده است: حرکس این سوره را بر دو چشم بخواند به قدرت خداوند دوش آرام می گیرد.

(تفسیر البرهان ج ۵ ص ۷۹۸)

۴) **درد دندان** - از امام باقر علیه السلام نقل شده: هرگاه احساس درد دندان کردی سوره حمد و توحید را بخوان در حالی که دست خود را بر موضع

درد گذاشته ای و پس از آن آیه ۸۸ سوره نمل را قرائت کن دوش آرام می گیرد. (طب الائم ص ۲۴)

۵) **انیت** - انیت خوابی و پریشانی از خطرات و حوادث ناگوار از خواسته های اولیه و همیشگی انسان هست و مردم از هر گونه حادثه و



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بدی ای که زندگی آرام و بی دردسر آنها را دچار تشویش و گرفتاری کند مخالفند و در پی دستاویزهایی برای امان جویی از این ناکواری نباشند.
سوره توحید از این دستاویزهای محکم الهی است که به وسیله آن می توان خود را در آغوش ایست الهی قرار داد. مواردی که به امنیت جویی از
سوره توحید سفارش شده است از این قرار است:

الف: پنجم سفر - از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: هر کس که می خواهد به سفری برود و طرف چهارچوب در را بگیرد و

۱۱ بار توحید را قرائت نماید خداوند پاسبان او خواهد بود تا به منزلش بازگردد. (الدعوات ص ۲۹۵)

ب: پنجم خروج از خانه - امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس پنجم خرج از منزل ۱۰ مرتبه سوره توحید را بخواند، همواره در حفظ و

حراست خداوند است تا به خانه بازگردد. (الکافی ج ۲ ص ۳۹۴)

ج: وارد شدن بر حاکم یا قدرتمند - از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: هر وقت بر حاکم یا تکبرمی وارد شوی در حالی که به او

نخاه می کنی سوره توحید را سه مرتبه بخوان و دست چپت را پشت کن و بر این حال باشد تا از نزد او بیرون می روی. (الدعوات ص ۲۹۳)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: هر کس پیش از رفتن به نزد قدرتمند و زورگویی سوره توحید را قرائت کند خداوند به واسطه آن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

منع زيان دیدن او می شود. (ثواب الاعمال ص ۱۲۹)

د: **بکام خواب**۔ امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هرکس بهنگام خوابش سوره توحيد را قرائت نمايد خداوند ۵۰ فرشته را نامور حراست و

نگهبانی او قرار می دهد. (مکارم اخلاق ص ۲۸۹)

ع: **رفع فقر و تنگدستی**۔ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: هر وقت وارد منزل می شوید سوره توحيد را بخوانید زیرا این کار فقر

را از بین می برد. (انضال ص ۶۲۶)

ف: **نخمش گنایان**۔ قرائت سوره توحيد از عوامل پاک شدن گنایان است. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: هرکس در شب یا

روز جمعه، ۲۰۰ مرتبه سوره توحيد را در نماز رکعتی (۲ تا دو رکعت) بخواند یعنی در هر رکعت بعد از حمد ۵۰ بار توحيد را بخواند گنااهش نخیده می شود هر

چند باندازه دریا باشد. (مصباح المجتهد ص ۲۶۱)

ذ: **نقد الرضا داده است**: هرکس سوره توحيد را ۲۱ بار بخواند خداوند قصری در بهشت برای او بنا می کند و هرکس ۴۱ بار قرائت کند خداوند همه

گنااهش از گذشته و آینده رومی آمرزد. (نقد الرضا ص ۱۳۸)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: هر کس این سوره را در پنجم خواب بخواند خداوند گناهمان ۵۰ سال گذشته اش را می بخشد. (الکافی)

ج ۲ ص ۵۳۹

۸) استیجاب دعا - رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در میان شرایط یک نماز فرمودند: در رکعت اول پس از حمد توحید را بخواند زیرا دعای

پس از آن مستجاب می شود و بدین وسیله دعای قنوت آن نیز مستجاب می گردد. (من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۱۵)

۹) امان از گناه - امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: هر کس نماز صبح را برپا دارد و پس از نماز در جایش نشیند و سوره توحید را ۱۱ مرتبه قبل

از طلوع خورشید قرأت کند آن روز مرگش گناه نباشد و هر چند شیطان به سوی او طمع کند. (ثواب الاعمال ص ۳۴۱)

۱۰) برکت - ایجاد برکت در عمر، زندگی، کار، مطالعه، ... از عوامل موفقیت در این کارهاست. عوامل بسیاری برای انسان ایجاد برکت می

کنند و اسباب زیادی مانع برکت هستند. قرأت سوره توحید از عوامل ایجاد برکت است.

در سخن امام باقر علیه السلام آمده است: هر کس سوره توحید را یک بار بخواند یا ایجاد برکت بر او می شود و هر کس این سوره را دوبار بخواند بر او

و خانواده اش برکت داده می شود و اگر آن را سه بار قرأت نماید به او و خانواده و همسایگانش برکت داده می شود. (الکافی ج ۲ ص ۶۱۹)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تخفات مجرب

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: در روز ۵ شنبه چهار رکعت نماز بجای آورد یعنی در هر دو رکعت یک سلام و به این

شکل عمل کند:

۱- رکعت اول: سوره حمد و توحید ۱۱ مرتبه

۲- رکعت دوم: سوره حمد و توحید ۲۱ مرتبه

۳- رکعت سوم: سوره حمد و ۳۱ مرتبه توحید

۴- رکعت چهارم: سوره حمد و ۴۱ مرتبه توحید را بخواند و بعد از فارغ شدن از نماز، ۵۱ مرتبه توحید را بخواند و ۵۱ مرتبه صلوات بفرستد و پس از

آن به سجده رود و در سجده ۱۰۰ مرتبه بگوید: «یا الله یا الله» بعد از آن دعا کند به آنچه می خواهد می رسد.

پایمبر فرمودند: کسی که این نماز را بجا آورد و از خداوند نخواهد که گوه نماز بهر یک زوال پیدا کنند خواهد شد یا نزول باران را نخواهد خواهد شد و اینکه

جایی میان او و پروردگار نخواهد بود و اینکه خداوند هر آنکه غضب خواهد کرد به کسی که این نماز را به جای آورد و حاجت خود را نخواهد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

(کشف الهمم ص ۳۱۸ به نقل از بحار الانوار)

تتم «العهد الصمد» در شب جمعه ۴۱ هزار بار بسیار مجرب است.

جست تو انگری: در ۳ شب جمعه حرشش دورکت نماز بگذارد و در حرکت ۱۰ مرتبه سوره حمد و ۱۱ مرتبه سوره توحید را بخواند و بعد از سلام ۱۰۰

مرتبه صلوات بفرستد. (دوران باقرآن ص ۱۷۷)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تَقْدِيرُ الْمَلِكِ الْفَرِيدِ

ملکا ذکر تو کویم کہ تو پائی و خدایی
نروم جز بہ ہمان رہ کہ تو ام راہ غایی
بہ درگاہ تو جویم بہ از فضل تو پویم
بہ توحید تو کویم کہ بہ توحید سزایی
توزن و بخت نداری تو خور و بخت نداری
اصد بی زن و بختی ملک کامروایی
نیازت بہ ولادت نہ بہ فرزندت حاجت
تو جلیل الجبروتی تو نصیر الامرائی
تو حکیمی تو عظیمی تو کرمی تو رحیمی
تو یانہدہ فضلی تو سزاوار شنائی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بری از رنج و کدازی بری از درد و نیازی

بری از بیم و امید بری از چون و چرایی

بری از خوردن و نخفتن بری از شرک و شیشی

بری از صورت و رنگی بری از عیب و خطایی

توان و صف تو کفتن که تو در خم کنجی

توان شه تو کفتن که تو در وهم نیایی

ند این خلق و تو بودی نبود خلق و تو باشی

نه بجنبی نه بگردی نه بجای نه فزایی

همه عمری و جلالی همه علمی و یتیمی

همه نوری و سروری همه جودی و جزایی

همه ضیعی و بدانی همه عیبی و پوشی

همه میشی و بجای همه کمی و فزایی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

احد لیس کشلہ صد لیس لہ ضد
لمن الملک تو کوئی کہ مرآن را تو سنرایی
بب و دندان سنایی ہمہ توحید تو گوید
مکر از آتش دوزخ بودش روی ربایی



عشق یعنی آشنایی یافتن / از وجود خود ربایی یافتن / عشق یعنی گل، پرندہ، آسمان / عشق یعنی نور، آیات نمان / عشق یعنی جان بہ جانان

بناصن / از درون خود نمانی تا ناصن / عشق بوی مهربانی می دهد / بوی گلنمای آفاقی می دهد

و زندگی یعنی عشق / از زندگی یعنی عاشقی / و عشق یعنی خدا /



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بیاید او را عاشقانه دوست بداریم، و توان عشق هر چه که باشد با جان و دل بپذیریم و عاشقانه سپرداریم بیاید تا نفس ایمان تکرار ناکر نام او
باشد بیاید به زندگی عاشقانه نگاه کنیم، به نبض حیات بیاید تا جاری شویم در ک بودن / بیاید تا وضو بسازیم در شط زندگی بیاید تا خود را
تطهیر کنیم / تطهیر آیت بزرگ دوست داشتن است / تطهیر شویم برای نماز عشق او خدای یعنی عشق بیاید به صبح سلام کنیم، به درخت، به
گل، به پرند بیاید عاشقانه همه را دوست بداریم که زندگی یعنی عشق بیاید تا عاشقانه بپذیریم که مرگ یعنی عشق به توان ایدت او خدای یعنی مرا
و خدای یعنی لذت دیدار او خدای یعنی مرگ او مرگ یعنی وصال /

خداوندا

تو معنای بلند عشقی او، هستی پر از معنای زندگی او تو نور شکفتنی او تو جلازه های سبز امید می بیا تو تنهایی می گزیند ابا تو عشق می شکند ابا تو بودن
معنای می کند ابا تو عدم محمی شود ابا تو بقا جاودانه است ابا تو سبزی شویم ابا تو حرور و زبانه تر ابا تو زندگی سرشار از عشق و سرمستی
ابا تو اشک ایمان باران رحمت / که جانان را طراوت می بخشد ابا تو همه چیز زیباست حتی بیماری و مرگ ابا تفریق عشق تو ایم

خداوندا اماراد عشق بمیران امارا عاشق بمیران



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly